

چکیده:

شهرها از برابری تعامل میان انسانها و خواسته های آنان شکل گرفته است. از شهر همواره به عنوان عرصه ای برای فعالیتها و رفتارهای اجتماعی شهروندان یاد شده است. اما امروزه تحت تاثیر عواملی همچون برنامه ریزی متمرکزی که توسط دولت های برخاسته از مدرنیته شکل گرفته، سبب گردیده که نقش و جایگاه مردم در انتخاب این عرصه مورد کم توجهی قرار گیرد. شکاف میان عوامل شکل دهنده شهری آثار زیانباری را با خود به همراه داشته است؛ از جمله این آثار می توان به عدم توجه به نیازها و خواسته های شهروندان، عدم مشارکت و تضعیف حس تعلق به مکان و هویت شهری در میان شهروندان اشاره نمود. از سویی نتایج پژوهش ها حاکی از آن است که بهره گیری از نظرات جمعی تنها در صورتی به موفقیت دست خواهد یافت که بر پایه آگاهی و آموزش اولیه شهروندان صورت پذیرد. فرایند ارزیابی و انتخاب پروژه برگزیده معماری، نیز می تواند به کمک مشارکت مردمی انجام پذیرد. این امر می تواند تاثیر بسزایی در پرکردن خلاء میان مردم و معماری داشته باشد. مردمی که خود در پروسه انتخاب طرح برگزیده معماری نقش داشته اند نسبت به آن فضا حس تعلق بیشتری خواهند داشت و به تبع آن در نگهداری و حفاظت از آن خود را مسئول می دانند. در این صورت شهر را از آن خود دانسته که این جریان به هویت بخشی فضا کمک شایانی خواهد نمود. تجارب موفق کشورمان در گذشته در زمینه معماری روستایی و بومی و همچنین تجربیات کشورهای پیشرفته که هم اکنون از این روش بهره می برند نشان می دهد. در این پژوهش سعی گردیده تا به آسیب شناسی بر عدم مشارکت مردم در شهرها پرداخته و در نهایت راهکارهایی در جهت نیل به اهداف اجتماعی در شهر ارائه گردیده است. بنابراین فضاهای آموزش دهنده شهری در این رساله پیشنهاد شده تا بتوان با استفاده کلاسهای آموزشی هنری فرهنگی به این نیازها، با مشارکت شهروندی پاسخ داد. امید است به کار بستن این راهکارها به شکل گیری پیوند دوباره ای میان مردم و شهر بیانجامد و راه موثری برای برون رفت تدریجی از وضع نابسامان موجود باشد.

واژگان کلیدی:

معماری سنتی - فرهنگ - مرکز آموزشی - توسعه اجتماعی - فضاهای شهری